



توجه کنید :

کودک و کار

❁ دوران کودکی ، دوران آمادگی است نه کار !
❁ بهترین برنامۀ برای دوران کودکی

کند تاگل و دانه دهد . درخت باید به اندازه لازم بزرگ شود تا میوه دهد، حیوان باید دوران کودکی خود را پشت سرگذارد تا بتواند وظائف خود را انجام دهد، انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگر هم استثنائی در این میان یافت شود؛ معلول پاره ای از علل و عواملی است که - چنانکه دیدیم - قابل اصلاح و جلوگیری است.

کارهای جسمانی انسان دو نوع است : طبیعی و ارادی . رویش دندانها و برآمدن مودردن و بکار افتادن غدد جنسی و ترشحات ماهانه زنان و بالاخره بوجود آوردن فرزند و شیردادن ، همه جنبه طبیعی دارند، اینگونه فعالیتها در طبیعت - به اراده آفریدگار -

آنها که دست اندرکار پرورش نهالها و درختان میوه هستید ، عقیده دارند که اگر درختی زودتر از موقع و در شرائطی که هنوز رشد کامل پیدا نکرده، بارور شود، باید از بار دادن آن جلوگیری کرد تا نیروی خود را صرف رشد و تقویت تنه و شاخهها و ریشهها کند . از اینجهت است که باغبانهای مجرب و کار - آزموده نه تنها از میوه دادن درختان نوریست و خوردسال خوشحال نیستند ، بلکه عملاً جلو بار دادن درخت را گرفته ، آن را تا موقع رشد کامل به تأخیر می اندازند !

آفریننده موجودات، این طرح را خود در همه جا اعمال کرده است . گیاه باید به اندازه کافی رشد

در تلاشند .

همانطوری که درختان با نظم خاصی در بهاران شکوفه و غنچه و گل میدهند و پس از مدتی از محصول آنها بهره برداری می شود و در این برنامه هیچ تخطی از آنها سر نمیزند؛ این دستگاه های بدن نیز هر کدام بطور اتوماتیک کارهای طبیعی خود را انجام میدهند. در حیوانات نیز اینگونه کارهای طبیعی با همان فرمول خاص صورت می گیرند. فصل بلوغ و آمیزش و بارور شدن و سایر فعل و انفعالات آنها معین و مشخص است. حتی غالب حیوانات برخلاف انسان شبها قوه دید بسیار نیرومندی دارند. جغد که در تاریکی شب در ارتفاعات آسمان پرواز میکند؛ موش کوچکی را که در غلزار در حرکت است؛ می بیند و او را شکار میکند. زنبور عسل حتی در طوفانها راه خود را بسوی کندو پیدا میکند. جالب تر از همه شب پره است که با چشم پشمالوی خود چیزی نمی بیند؛ بلکه بوسیله دستگاه رادار که در گوشهای او تعبیه شده است؛ در تاریکی شب پرواز میکند و بمانعی بر نمی خورد. همه اینها طبیعی است.

* * *

تنها در مورد انسان يك استثنا وجود دارد و آن این است که زندگی انسان بنحوی است که نمی تواند فقط بهمان کارهای طبیعی اکتفا کند. او خواسته ها و ایده هایی دارد که ناچار است برای رسیدن به آنها دست به يك سلسله کارهای ارادی بزند و در راه آنها انرژی صرف کند و نتایج هم بدست آورد .

نظم و برنامه خاصی دارند. دستگاه های در بدن هستند که اگر بر اثر برخی از جریانها در کار آنها نقص وارد نشود؛ چنان فعالیت های طبیعی را کنترل میکنند که کمترین خللی در کار آنها پیدا نشود. مثلاً غده «هیپوفیز» که در مغز است ترشحاتی دارد که در رشد و دخل و خرج بدن و حفظ اعتدال در جاقی و لاغری، و تنظیم برنامه جنسی مؤثر است. غده تیروئید، در راه رفتن و حرف زدن حتی نشستن کودک مؤثر است. نقص ترشح این غده باعث کندی و بیحالی می شود. حتی کودکی و ابلهگی نیز به نقصان ترشح آن ارتباط دارد. تنظیم کلسیم بدن بعهده پاد تیروئید است، تنظیم رشد دستگاه تناسلی و بلوغ بعهده غدد فوق کلیوی است. دو غده «تیموس» و «پینال» تا قبل از بلوغ فعالیت می کنند و از کار می افتند و بلافاصله بدن پال آنها غدد جنسی بکار می افتند. (۱)

بواسطه همین دستگاه های دقیق و فعال است که قلب و ریه ها و کبد و معده و ... بطور دقیق فعالیت می کنند. اعلام گرسنگی؛ تشنگی؛ سیری؛ خستگی؛ خواب؛ و صدها فعل و انفعالات که ما از آنها باخبر یا بی خبریم، همه از کارهای طبیعی بدن شمرده می شوند .

در همین مغز ما در حدود ده میلیارد سلول - ۳۳ برابر سلول های مغزی میمون! - وجود دارند که همه گرم تلاش و فعالیت برای انجام وظائف خویشند و در راه کسب معلومات و حفظ خاطره ها و صدور فرمان به عصب های حسی و حرکتی شبانه روز

جهان ونه از آخرت . اصولا در این مکتب همه این جنبه‌ها بهم پیوسته است . کسب علم و خدمت به اجتماع و کار و کوشش و زیاد کردن درآمد برای توسعه زندگی خانواده و کمک به نیازمندان ، همه می‌توانند سرمایه‌گذاری در راه زندگی جاویدان باشند . به شرطی که هدف قرار نگیرند ، بلکه وسیله و واسطه و پلی برای رسیدن به آن هدف ارجمند باشند .

می‌گویند از «محمد بن حنفیه» پرسیدند: بزرگترین مردم کیست ؟

پاسخ داد: کسی که دنیا را عوض جسم و نیروهای جسمی خود نداند . این بدن شما قیمتی جز بهشت جاویدان ندارد . آنرا جز به بهشت نفروشید . (۱)
بشر در هر راهی سرمایه‌گذاری کند و برای هر هدفی بکوشد ، بطور حتم به هدف خود نائل می‌گردد ، چه هدف مادی و این جهانی باشد چه معنوی و جاویدانی .
 مگر اینکه برخی از عوامل شناخته نشده یا پیش‌بینی نشده او را از وصول به مقصود بازدارند .

اکنون که روشن شد وجه امتیاز انسان از سایر موجودات ، همین کارهای ارادی و کوشش‌های ثمربخش است ، به خوبی معلوم میشود که در این راه باید حساب و میزان دقیقی در دست باشد و افراد باید از آغاز کودکی تحت تربیت و انضباط دقیقی درآیند تا **اولا** انرژیهای خود را بیهوده بهدر ندهند

همانطوری که اعمال طبیعی بدن انسان ضابطه و برنامه معینی دارد و نباید از موعد خود جلو یا عقب بیفتد ، این دسته کارها هم باید تحت ضابطه درآید و از موعد خود جلو یا عقب نرود .

در حقیقت انرژیهای بدن ما سرمایه‌ای هستند که باید آنها را دقیقاً و بنحو مطلوب بجزریان انداخت انسان درست مانند یک تاجر یا صاحب یک کارخانه است که برای بدست آوردن منافع بیشتر سرمایه‌گذاری میکند تا بعد از آن سرمایه‌گذاری بهره‌مند گردد .

طرز سرمایه‌گذاری افراد ، مختلف است ، عده‌ای به تشویق اولیا و مربیان از همان کودکی در راه دانش سرمایه‌گذاری میکنند و انرژی خود را در این راه بکار می‌اندازند و در جوانی و پیری از آن بهره‌مند میگردند . این نوع سرمایه‌گذاری از نظر موقعیت انسان ، از بهترین و پسنندیده‌ترین نوع سرمایه‌گذاری است که زمان معینی ندارد ، بلکه همیشه ممکن است ، بویژه در دوره کودکی و جوانی ثمربخش‌تر است .

پس از این مرحله نوبت به این می‌رسد که انسان با الهام از مکتب رهبران آسمانی در راه زندگی جاویدان ، سرمایه‌گذاری کند . بدون اینکه از توجه بزندگی این جهان نیز غافل باشد . با الهام از مکتب همان رهبران آسمانی انسان نه از کسب دانش غافل می‌ماند و نه از عمران و آبادی محیط زندگی این

۱- سنن محمد بن الحنفیه عن اعظم الناس خطرا فقال الذی لا یری الدنیا کلها عوضا من بدنه ثم قال: ان ابدانکم هذه لیست لها ثمن الا اللجنة فلا تبیعوها الا بها (مجموعه ورام ص ۶۵) محمد حنفیه این سخن را از پدر بزرگوارش علی (ع) به یادگار داشت .

و ثانیاً از مصرف انرژی کمتر، نتیجه و فائده بیشتر و کاملتری بدست آورند.

مربیان و اولیاء باید توجه داشته باشند که از دیدگاه قرآن فرمایند به ترین انسانها کسانی هستند که خسارت - بارت را از دیگرانند. یعنی انرژی صرف می کنند و هیچ فایده نمیگیرند یا کم فایده می گیرند. از نظر قرآن، تنها انسانهایی از مهلکه زیانبار بودن، می رهند که به ایمان و عمل صالح و توصیه دیگران به حق و شکیبائی آراسته باشند. (۱) پس باید کودک را از زمان کودکی در مسیری قرار دهند که در زندگی به چنین مهلکه ای نیفتد.

این حق کودک است که او را برای زندگی آینده همیا کنیم تا قدر عمر و انرژی خود را بداند. علی (ع) برنامه زندگی انسانهای شایسته را اینطور تنظیم میکند: «مؤمن را سه ساعت است: ساعتی باشدای خود مناجات میکند و ساعتی به تحصیل معاش می پردازد و ساعتی به نفس خویش اجازه میدهد که از لذتهای حلال و پسندیده استفاده برد. عاقل جز در این سه حال نمیتواند باشد: تحصیل معاش، کوشش در راه زندگی جاوردان، یا لذت غیر حرام» (۲)

اینها چیزهایی است که کودک ندارد و باید دارا

شود. حقوقی است که محیط و خانواده و آموزشگاه باید به او عطا کنند. مسأله بسیار مهم است. اینجا حساب سر نوشت و آینده سازی است. خسارتهایی که در جامعه بیار می آید و افراط و تفریطهایی که صورت می گیرد. از همینجا ناشی می شود.

همانطوری که کارهای طبیعی بدن طبق برنامه خاصی، در موقع خود آغاز می شود، کارهای ارادی هم باید حساب شود و مطابق استمداد بدنی باشد. کودک کی که هنوز احتیاج به جست و خیز و بازی دارد، نمیتواند تن به کار و مسؤولیت دهد. اگر در این سن و سال او را به چنین برنامه ای بکشانیم، مسلماً به رشد و سلامت او لطمه وارد می شود و بعداً در زندگی شکست می خورد.

مسلم است که تاهفت سالگی برای طفل، هیچ کاری بهتر و مطلوبتر از بازی نیست، در این سن و سال انتظار تحمل هر نوع مسؤولیتی از طفل غلط است. باید آزاد باشد، بدود، بپرد، و شادی کند. در این حال مربی می تواند بازیهای او را رهبری کند، بطوری که بسوی هدفی که در پیش است سوق داده شود. امام صادق (ع) فرمود: «فرزندت را رها کن تا هفت سال بازی کند و مدت هفت سال

۱- قل هل ننبئکم بالآخسرين اعمالا الذین فضل سعیرهم فی الحیاة الدنیا وهم یحسبون انهم یحسنون صنعا

(کهف ۱۰۳)

ان الانسان لقی خسر. الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر. (العصر)

۲- للمؤمن ثلاث ساعات: فساعة یناجی فیها ربه و ساعة یرم معاشه و ساعة یرم نفسه و بین لذتها

فیما یحل و یجمل و لیس للعاقل ان یرکون شاخصا الا فی ثلاث: مرمة لمعاش او خطوة فی معاد اولذة فی غیر محرم

(نهج البلاغه صبحی صالح ص ۵۲۵)

می‌شود؛ بلکه فکر و عواطفش هم رشد می‌کند و بالاخره برای يك مسؤولیت حقیقی و صحیح - اگر درست رهبری و تربیت شود - مهیا می‌گردد .

اگر نظر مربی فقط به این مطلب جلب شود که کودک ، در دوره آمادگی به سر می‌برد و باید او را آماده گردانید ، همه چیز درست می‌شود . در این صورت، مربی نه از کودک انتظار کارزائد دارد و نه او را مهمل می‌گذارد، برنامه را چنان تنظیم می‌کند که از لحاظ نیازهای کودکانه ، ارضا گردد و در عین حال برای پذیرش مسؤولیت‌ها و انجام کار، مطابق فرمول صحیح، آمادگی کامل پیدا کند.

تربیت شود و مدت هفت سال مواظبتش باش،
اگر رستگار شد، چه بهتر و گرنه خیری
دراو نیست» (۱)

کودک در ضمن همین بازی‌ها خیلی چیزها را یاد می‌گیرد . محیط خود را ارزیابی میکند ، جانوران موزی را می‌شناسد، افراد را می‌آزماید، چیزهایی مطلوبش می‌شوند و چیزهایی برایش مورد نفرت قرار می‌گیرند . مربی باید کوشش کند که در این شناختها و برداشتها، عاطفه‌های طفل را راه‌نما باشد و او را در مسیر صحیح سوق دهد.

پس طفل در دوره آمادگی به سر می‌برد . نه تنها جسمش رشد میکند و برای انجام کار، قوی و آماده

بانی خیر و شر

پیامبر اسلام (ص) فرمود :

مَنْ دَعَا لِي هَدَىٰ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ دَعَا إِلَيَّ ضَلَالَةً كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا .

: کسی که مردم را به راه راست دعوت کند پاداشی معادل پاداش تمام کسانی که آن راه را می‌پویند به او داده خواهد شد؛ بدون اینکه از پاداش آنان چیزی کم شود . و کسی که موجب گمراهی افرادی گردد کیفری هم‌پای کیفر کسانی که با پیروی آن راه گمراه شده‌اند، خواهد داشت !

۱- دع ابناك يلعب سبع سنين ويودب سبعا والزمه نفسك سبع سنين فان اطلق والافاله فانه لاخير فيه

(سنة البحار : ولد)